

ترجمه و تعليق بر مبانی تکملة المنهاج

(حدود و تعزیرات)

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

استاد خليل قبله‌ای خویی



سرشناسه	خویی، سیدابوالقاسم، ۱۲۷۸ - ۱۳۷۱.
عنوان و نام پدیدآور	مبانی تکملة المنهاج: حدود و تعزیرات/ مولف:
سید ابوالقاسم موسوی خویی؛ مترجم و تعلیق زنده: خلیل قبله‌ای خویی	
مشخصات نشر	تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۳۰۹ ص
شابک	978-622-212-145-7
وضعیت فهرست‌نویسی	فیفا
یادداشت	کتاب حاضر ترجمه‌ی بخشی از کتاب «مبانی تکملة منهاج الصالحین» است.
موضوع	فتواهای شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	Fatwas, Shiites-- 20th century
موضوع	فقه جعفری -- رساله عملیه
موضوع	Islamic law, Jafari -- Handbooks, manuals, etc
موضوع	حدود (فقه) (Islamic law) Hadd punishment
موضوع	تعزیرات (فقه) (Islamic law) Tazir punishment
شناسه افزوده	قبله‌ای، خلیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۵. مترجم
رده‌بندی کنگره	BP ۱۸۳/۹
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۳۴۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۶۲۴۴۷۲۳

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز از ناشر خلاف قانون بوده و بیکرد قانونی دارد.  
لطفاً در صورت مشاهده، موارد درآ به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۱۳۳۷

نشر میزان

ترجمه و تعلیق بر مبانی تکملة المنهاج

(حدود و تعزیرات)

استاد خلیل قبله‌ای خویی

ویراستار: عذرا قبله‌ای

چاپ اول: بهار ۱۴۰۰

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

شماره: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۱۲-۱۴۵-۷

نشر میزان: خیابان سهروردی شمالی، خیابان خرمشهر، پلاک ۶۲

تلفن دفتر مرکزی: ۸۸۵۴۹۱۳۱ - ۸۸۵۴۴۱۲۴ تلفن مرکز پخش و فروش: ۸۸۳۴۹۵۲۹ - ۸۸۳۴۹۵۳۰

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۴۴۶۷۷۷۰

پست الکترونیکی: [mizannasher@yahoo.com](mailto:mizannasher@yahoo.com) وب سایت: [www.mizan-law.ir](http://www.mizan-law.ir)

اینستاگرام: [nashremizan](https://www.instagram.com/nashremizan) کانال تلگرام: [t.me/nashremizan](https://www.t.me/nashremizan)

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: اسباب اثبات حدود	۵
اول: زنا	۵
شبهه مسقط حد (مسئله ۱۳۴)	۹
شروط ثبوت حد (مسئله ۱۳۵)	۱۱
پذیرش ادعای اکراه بر زنا (مسئله ۱۳۶)	۱۳
ثبوت زنا با اقرار و بینه (مسئله ۱۳۷)	۱۵
شرایط مقرر (مسئله ۱۳۷)	۱۵
لزوم چهار مرتبه اقرار بر زنا (مسئله ۱۳۸)	۱۶
انکار بعد از اقرار به زنا (مسئله ۱۳۹)	۱۹
عفو امام بعد از اقرار (مسئله ۱۴۰)	۲۰
باردار شدن زن بدون شوهر (مسئله ۱۴۱)	۲۸
لزوم وجود چهار شاهد برای اثبات زنا (مسئله ۱۴۲)	۲۸
شروط پذیرفتن شهادت بر زنا (مسئله ۱۴۳)	۲۹
شهادت چهار مرد بر زنا یا یک زن و ادعای زن بر بکارش (مسئله ۱۴۴)	۳۲

- شهادت چهار مرد بر زناى يك زن كه يكي از آنان شوهر اوست (مسئله ۱۴۵) .... ۳۳
- پذيرفتن شهادت چهار مرد عليه يك نفر يا بيشتر (مسئله ۱۴۶) ..... ۳۴
- وجوب تعجيل در اقامه حد (مسئله ۱۴۷) ..... ۳۵
- توبه قبل از قيام بينه و بعد از آن (مسئله ۱۴۸) ..... ۳۶
- حكم شهود کمتر از چهار نفر (مسئله ۱۴۹) ..... ۳۹
- احكام زنا در مورد مسلمان و كافر (مسئله ۱۵۰) ..... ۴۰
- حد زانى ..... ۴۲
- حد زناى با محارم (مسئله ۱۵۱) ..... ۴۲
- حد زناى كافر ذمى با زن مسلمان (مسئله ۱۵۲) ..... ۴۹
- حد زناى به عنف (مسئله ۱۵۳) ..... ۵۲
- زناى پيرزن و پير مرد و زن و مرد جوان (مسئله ۱۵۴) ..... ۵۳
- حد زنا با دختر نابالغ يا ديوانه (مسئله ۱۵۵) ..... ۵۷
- زناى زن با پسر نابالغ (مسئله ۱۵۶) ..... ۵۸
- اختصاص حكم تراشيدن موى سر به كسى كه ازدواج کرده ولى دخول نكرده  
(مسئله ۱۵۷) ..... ۵۹
- شرائط احصان مرد (مسئله ۱۵۸) ..... ۶۲
- شرائط احصان زن (مسئله ۱۵۹) ..... ۶۵
- حكم زناى مطلقه رجعيه و همسرش (مسئله ۱۶۰) ..... ۶۷
- حكم زنا در طلاق خلع بعد از رجوع (مسئله ۱۶۱) ..... ۶۹
- عدم اجراى حد تازيانه در مورد مستحاضه (مسئله ۱۶۳) ..... ۶۹
- عدم اجراى حد تازيانه بر مريض قبل از بهبود (مسئله ۱۶۴) ..... ۷۰
- حكم زناى متعدد (مسئله ۱۶۵) ..... ۷۱
- قتل زناكار در مرتبه چهارم (مسئله ۱۶۶) ..... ۷۲
- حكم زانيه باردار (مسئله ۱۶۷) ..... ۷۴

۷۶	جنون بعد از وجوب حد (مسئله ۱۶۸)
۷۶	عدم جواز اقامه حد در سرزمین دشمن (مسئله ۱۶۹)
۷۷	عدم جواز اقامه حد بر پناهنده به حرم مکه (مسئله ۱۷۰)
۷۷	اجتماع چند حد در یک شخص (مسئله ۱۷۱)
۷۸	نحوه اجرای حد رجم مرد و زن (مسئله ۱۷۲)
۸۰	فرار سنگسارشونده از گودال (مسئله ۱۷۳)
۸۲	آگاه‌سازی مردم برای حضور در اقامه حد (مسئله ۱۷۴)
۸۴	تصدی کسی که حدی بر گردن اوست برای رجم (مسئله ۱۷۵)
۸۶	چگونگی تازیانه زدن بر زناکار (مسئله ۱۷۶)
۸۸	جواز اقامه حدود برای حاکم جامع الشرایط (مسئله ۱۷۷)
۹۰	مطالبه صاحب حق در اقامه حدود در حق الناس شرط است (مسئله ۱۷۸)
۹۲	زنا با میت (مسئله ۱۷۹)
۹۳	دوم: لواط
۹۳	تعریف لواط و راههای اثبات آن (مسئله ۱۸۰)
۹۵	حد لواط در مورد محصن و غیر محصن (مسئله ۱۸۱)
۹۸	لواط با مجنون (مسئله ۱۸۲)
۱۰۰	لواط با صغیر (مسئله ۱۸۳)
۱۰۱	لواط با برده (مسئله ۱۸۴)
۱۰۲	لواط ذمی با مسلمان (مسئله ۱۸۵)
۱۰۳	کیفیت قتل لواط کننده
۱۰۳	قتل با شمشیر یا سوزاندن یا پرت کردن از کوه (مسئله ۱۸۶)
۱۰۶	سوم: تَفْخِیذ
۱۰۶	حد تَفْخِیذ (مسئله ۱۸۷)
۱۰۸	تکرار تَفْخِیذ (مسئله ۱۸۸)

۱۰۹	.....	خواهیدن دو مرد برهنه زیر یک لحاف (مسئله ۱۸۹)
۱۰۹	.....	خواهیدن دو زن برهنه زیر یک لحاف (مسئله ۱۸۹)
۱۱۶	.....	توبه لواط کننده قبل یا بعد از قیام بینه (مسئله ۱۹۰)
۱۱۶	.....	لواط با میت (مسئله ۱۹۱)
۱۱۷	.....	چهارم: ازدواج با زن ذمی بدون اذن همسر مسلمانش (مسئله ۱۹۲)
۱۱۹	.....	پنجم: بوسیدن پسری از روی شهوت توسط محرم (مسئله ۱۹۳)
۱۲۰	.....	ششم: مساحقه
۱۲۰	.....	مساحقه و حد آن (مسئله ۱۹۴)
۱۲۳	.....	تکرار مساحقه (مسئله ۱۹۵)
۱۲۳	.....	توبه مساحقه کننده (مسئله ۱۹۶)
۱۲۴	.....	انتقال نطفه زوج از طریق مساحقه (مسئله ۱۹۷)
۱۲۵	.....	هفتم: قوادی
۱۲۶	.....	تعریف قوادی و طریق ثبوت آن (مسئله ۱۹۸)
۱۲۸	.....	حد قوادی (مسئله ۱۹۹)
۱۳۰	.....	هشتم: قذف
۱۳۰	.....	تعریف قذف
۱۳۰	.....	شرط اجرای حد قذف (مسئله ۲۰۰)
۱۳۱	.....	شرایط قذف کننده (مسئله ۲۰۱)
۱۳۳	.....	شرایط مقذوف (مسئله ۲۰۲)
۱۳۶	.....	قذف گروهی توسط یک نفر (مسئله ۲۰۳)
۱۳۸	.....	عفو قاذف (مسئله ۲۰۴)
۱۴۰	.....	موت مقذوف (مسئله ۲۰۵)
۱۴۱	.....	قذف فرزند شخص (مسئله ۲۰۶)
۱۴۱	.....	تکرار حد قذف (مسئله ۲۰۷)

- تکرار قذف (مسئله ۲۰۸) ..... ۱۴۲
- موارد سقوط حد قذف (مسئله ۲۰۹) ..... ۱۴۲
- رجوع یکی از شهود در زنا (مسئله ۲۱۰) ..... ۱۴۳
- در اجرای حد قذف بین برده و آزاد فرقی نیست (مسئله ۲۱۱) ..... ۱۴۴
- طریق اثبات قذف (مسئله ۲۱۲) ..... ۱۴۵
- سقوط حد از متقاضین (مسئله ۲۱۳) ..... ۱۴۵
- نهم: سب النبی (ص) ..... ۱۴۶
- وجوب قتل ساب النبی (ص) (مسئله ۲۱۴) ..... ۱۴۶
- دهم: ادعای پیامبری ..... ۱۴۸
- وجوب قتل مدعی پیامبری (مسئله ۲۱۵) ..... ۱۴۸
- یازدهم: سحر ..... ۱۴۹
- ساحر مسلمان و کافر (مسئله ۲۱۶) ..... ۱۴۹
- دوازدهم: نوشیدن مسکر ..... ۱۵۰
- شرایط اجرای حد نوشیدن مسکر (مسئله ۲۱۷) ..... ۱۵۱
- عدم فرق بین شرب خمر یا داخل کردن آن در شکم (مسئله ۲۱۸) ..... ۱۵۲
- جوشاندن آب انگور (مسئله ۲۱۹) ..... ۱۵۳
- طریق اثبات شرب مسکر (مسئله ۲۲۰) ..... ۱۵۴
- حد شرب مسکر ..... ۱۵۷
- نحوه اجرای حد (مسئله ۲۲۱) ..... ۱۵۷
- تکرار حد شرب خمر (مسئله ۲۲۲) ..... ۱۵۸
- شهادت بر شرب خمر و استفراغ آن (مسئله ۲۲۳) ..... ۱۵۹
- شرب خمر و اعتقاد به حلال بودن آن (مسئله ۲۲۴) ..... ۱۶۰
- توبه شرابخوار قبل از قیام ینه (مسئله ۲۲۵) ..... ۱۶۲
- تخیر امام بین عفو و اقامه حد بر شرابخوار (مسئله ۲۲۶) ..... ۱۶۳

۱۶۴	..... سرقت: سیزدهم: سرقت
۱۶۴	..... شرایط سارق و مسروق
۱۷۲	..... سرقت در قحط‌سالی (مسئله ۲۲۷)
۱۷۲	..... شرط نیست که محل حرز در ملکیت صاحب مال باشد (مسئله ۲۲۸)
۱۷۳	..... سرقت از خانه‌ای که درش باز است (مسئله ۲۲۹)
۱۷۳	..... سرقت چیزهایی که در بنای حرز به کار رفته (مسئله ۲۲۹)
۱۷۴	..... سرقت اجیر و میهمان (مسئله ۲۳۰)
۱۷۵	..... هتک حرز توسط یک نفر و بردن مال توسط دیگری (مسئله ۲۳۱)
۱۷۵	..... شرکت در سرقت (مسئله ۲۳۲)
۱۷۶	..... حکم سرقت پدر از فرزند
۱۷۸	..... سرقت مخفیانه
۱۷۸	..... بودن مال در ملک دیگری
۱۷۹	..... سرقت پرنده و سنگ مرمر (مسئله ۲۳۳)
۱۸۰	..... مقدار مال مسروق
۱۸۴	..... نیش قیر و سرقت کفن (مسئله ۲۳۴)
۱۸۷	..... مثبتات حد سرقت (مسئله ۲۳۵)
۱۸۸	..... ثبوت حد سرقت با یک بار اقرار (مسئله ۲۳۶)
۱۹۰	..... ادعای مالکیت مال از سوی سارق (مسئله ۲۳۷)
۱۹۱	..... شرایط مقرر در سرقت (مسئله ۲۳۸)
۱۹۲	..... حد قطع (مسئله ۲۳۹)
۱۹۴	..... حکم تکرار سرقت (مسئله ۲۴۰)
۱۹۵	..... قطع دست راست (مسئله ۲۴۱)
۱۹۶	..... قطع دست راست سارق هر چند دست چپ نداشته باشد (مسئله ۲۴۲)
۱۹۸	..... از بین رفتن دست راست سارق قبل از اجرای حد (مسئله ۲۴۳)



عدم قطع دست چپ و پای سارق در صورتی که دست راست نداشته باشد	(مسئله ۲۴۴) .....	۱۹۹
توبه سارق قبل از ثبوت سرقت (مسئله ۲۴۵) .....	۲۰۰	
قطع دست چپ سارق توسط مجری حد (مسئله ۲۴۶) .....	۲۰۲	
لزوم معالجه دست سارق پس از قطع (مسئله ۲۴۷) .....	۲۰۴	
مرگ سارق در اثر اجرای حد (مسئله ۲۴۸) .....	۲۰۴	
وجوب رد عین مسروقه (مسئله ۲۴۹) .....	۲۰۵	
نرسیدن به حد نصاب مال مسروقه (مسئله ۲۵۰) .....	۲۰۶	
عفو سارق توسط مالباخته (مسئله ۲۵۱) .....	۲۰۷	
جواز اقامه حد بعد از ثبوت سرقت بدون مطالبه مالباخته (مسئله ۲۵۲) .....	۲۰۸	
مالکیت سارق بر عین مسروقه قبل از اجرای حد (مسئله ۲۵۳) .....	۲۰۹	
حکم بازگرداندن مال به حرز (مسئله ۲۵۴) .....	۲۰۹	
هتک حرز توسط چند نفر و خرواب مال توسط یک نفر (مسئله ۲۵۵) .....	۲۱۰	
رسیدن مال مسروقه به حد نصاب در چند مرحله (مسئله ۲۵۶) .....	۲۱۰	
کاهش دادن قیمت مال مسروق از حد نصاب قبل از خروج از حرز (مسئله ۲۵۷) .....	۲۱۱	
بلعیدن مالی که به قدر نصاب رسیده و خارج کردن آن از حرز (مسئله ۲۵۸) .....	۲۱۲	
<b>چهاردهم: فروش انسان آزاد</b> .....	۲۱۴	
حد فروش انسان آزاد (مسئله ۲۵۹) .....	۲۱۴	
<b>پانزدهم: محاربه</b> .....	۲۱۵	
حد محاربه و احکام آن (مسئله ۲۶۰) .....	۲۱۵	
رسیدن به حد نصاب در محاربه لازم نیست (مسئله ۲۶۱) .....	۲۱۹	
ولی دم مقتول می تواند محارب را عفو کند (مسئله ۲۶۲) .....	۲۱۹	
عدم جواز تبدیل حد محارب به دیه (مسئله ۲۶۳) .....	۲۱۹	
نفی بلد محارب در صورت زخمی کردن کسی (مسئله ۲۶۴) .....	۲۲۰	

- ۲۲۰ ..... توبه محارب قبل از دستگیری (مسئله ۲۶۵)
- ۲۲۱ ..... لزوم پایین آوردن مصلوب بعد از سه روز (مسئله ۲۶۶)
- ۲۲۲ ..... نفی بلد محارب (مسئله ۲۶۷)
- ۲۲۴ ..... شانزدهم: ارتداد
- ۲۲۸ ..... شرایط تحقق ارتداد (مسئله ۲۶۸)
- ۲۲۹ ..... حکم مرتد ملی (مسئله ۲۶۹)
- ۲۳۰ ..... فرزند صغیر مرتد در حکم اسلام است (مسئله ۲۷۰)
- ۲۳۱ ..... ارتداد زن و حکم آن (مسئله ۲۷۱)
- ۲۳۲ ..... تکرار ارتداد (مسئله ۲۷۲)
- ۲۳۵ ..... ثبوت مسلمان بودن با ادای شهادتین (مسئله ۲۷۳)
- ۲۳۷ ..... نماز خواندن مرتد یا کافر اصلی (مسئله ۲۷۴)
- ۲۳۷ ..... توبه مرتد ملی و دیوانه هلین او (مسئله ۲۷۵)
- ۲۳۸ ..... جواز ازدواج مرتد با زن کافر (مسئله ۲۷۶)
- ۲۳۹ ..... ولایت نداشتن مرتد بر دختر مسلمانش (مسئله ۲۷۸)
- ۲۳۹ ..... آنچه موجب رجوع مرتد از ارتدادش می شود (مسئله ۲۷۸)
- ۲۴۰ ..... قتل عمد مسلمان توسط مرتد (مسئله ۲۷۹)
- ۲۴۰ ..... قتل مرتد ملی بعد از توبه کردن او (مسئله ۲۸۰)
- ۲۴۱ ..... قبول توبه مرتد فطری (مسئله ۲۸۱)
- ۲۶۶ ..... فصل دوم: تعزیرات
- ۲۶۶ ..... راه ثبوت موجب تعزیر (مسئله ۲۸۲)
- ۲۶۸ ..... حکم اقرار به زنا یا لواط در کمتر از چهار مرتبه (مسئله ۲۸۳)
- ۲۶۹ ..... حکم افضای بکارت دختر (مسئله ۲۸۴)
- ۲۷۰ ..... تأدیب کودک و کمیت آن (مسئله ۲۸۵)
- ۲۷۱ ..... فروش خمر (مسئله ۲۸۶)

## مقدمه

حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که آفریدگار جهان و جهانیان است. او را پرستش می‌کنیم که سزاوار ستایش است و از او مدد می‌جوییم که او یاری‌دهندهٔ بندگان است. حاجی سبزواری چه زیبا فرموده است:

ازمة الامور طراً بیده      والکل مستمده من مدده<sup>۱</sup>

خدای را سپاس با عنایتی که بر این بنده ناچیز فرمود توانستم در ادامه مباحث قصاص و دیات، کتاب ارزشمند مبانی تکملة المنهاج استاد بزرگوارم مرحوم آیت الله العظمی خویی (قده)، مبحث «حدود» را با همان روش دو مجلد پیشین ترجمه و در مواردی که نیاز شد توضیح بیشتر بوده و یا استنباط متفاوتی به نظر اینجانب رسیده است تعلیقه بزنم و به انجام برسانم.

بدون تردید اقامه حدود از اهمیت خاصی در جامعه اسلامی برخوردار است؛ زیرا اداره جامعه، حفظ نظام، رعایت حقوق مردم و برپایی عدل و قسط وابسته به وضع مقررات و محدود کردن آزادیهای مطلق است. تأدیب خطاکاران و مجازات مجرمان می‌تواند اموال، جان و عرض مردم را تضمین کند. از این رو سیره عقلا در همه زمانها و مکانها بر این امر استقرار یافته که مقررات و قوانینی در زمینه تعیین جرایم و کیفیت مجازات مرتکبین به آن جرمها وضع گردد و طبیعی است اسلام به عنوان یک دین مدعی اداره جامعه نمی‌تواند از این بنای عقلایی

---

۱. زمام همه امور در دست قدرت الهی است و همه از او مدد می‌گیرند.

مستثنی باشد. حدود از احکام بازدارنده‌ای است که خداوند متعال آنها را وضع کرده تا انسانها از ارتکاب به منهیات و ترک آنچه بدان امر شده‌اند، منع گردند که خود بر دو قسم‌اند: حقوق الله مانند حد زنا، شرب خمر، محاربه و ارتداد و حقوق الناس مانند حد قذف و سرقت.

در اهمیت و اهتمام شریعت اسلامی بر اقامه حدود الهی روایات بسیاری وارد شده است که می‌توان به روایتی از عبدالرحمن بن حجاج در بیان این فقره از آیه ۱۹ سوره روم که فرمود: «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»، اشاره کرد: قال: «أَيُّسُ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فَيَحْيِيونَ الْعَدْلَ، فَيُحْيِي الْأَرْضَ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ وَالْأَقَامَةِ الْحَدِّ لِلَّهِ أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا: امام (ع) فرمود: مراد آیه احیای زمین با باران نیست، بلکه خداوند مردانی را برمی‌گزیند تا عدل را بر پا دارند و زمین زنده می‌شود با زنده شدن عدل و اقامه حد الهی. این امر نفعش از بارش چهل شبانه‌روز باران بیشتر است (وسائل الشیعه، ج ۲۸، باب ۱ از ابواب مقدمات حدود، ح ۳). البته باید یادآوری کرد که اسلام برغم اهتمام به اجرای حدود به یک نکته اساسی همواره تأکید دارد که هنگام اجرای حد الهی نباید از محدوده تعیین شده پا فراتر گذاشت: تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره/۲۲۹).

اینجانب به حول و قوه پروردگار بیش از شش دهه به تدریس در مدارس علوم دینی و دانشگاهها موفق شده‌ام و همواره بر این نعمت بزرگ شکرگزار بوده‌ام و این دعا را در حق اساتید و شاگردانم زمزمه کرده‌ام:

اللهم اغفر لمن علمني شيئاً و لمن تعلم مني شيئاً: خدایا بیامرز کسی را که من علمی از او آموختم و کسی که از من علمی فراگرفته است.

و همواره به دانشجویانم متذکر شده‌ام که در مباحث علمی تسلیم محض نباشید و به خود جرأت اندیشیدن بدهید و در مطالعات قرآنی و روایی، خود را به تفکر و اداری کنید و سعی کرده‌ام در حد توان به این گفته‌ام عمل کنم، برای نمونه به یکی از مباحث مطرح در حدود اشاره می‌کنم:

علامه حلی در قواعد (۵۲۳/۳) می‌گوید: اگر زانی پس از اقرار نزد حاکم توبه کند امام مجاز به عفو اوست و فرقی میان جلد و رجم نیست. محقق حلی در شرایع نیز همین نظر را بیان می‌کند (۱/۱۴۴). محقق خوبی در مبانی تکملة المنهاج این رأی را تأیید می‌کند با این تفاوت که اگر اقرار کننده توبه هم نکند امام می‌تواند او را عفو کند. به نظر می‌رسد بعد از اثبات جرم خواه با بینه و خواه اقرار امام حق عفو حدود الهی را ندارد و باید اجرای حد کند و طبیعی است نایب امام نیز چنین حقی ندارد و عفو امام پس از اقرار فاقد دلیل است و روایتی که قائلین به تخیر بدان استناد می‌کنند خود مؤید و تقویت کننده نظر ماست. روایت، صحیحه ضریس کناسی است که می‌فرماید: و لا یعفی عن الحدود التي لله دون الامام (ع) فاما ما كان من حق الناس فلا بأس بان يعفى عنه دون الامام (ع) (وسائل الشیعة، ج ۲۸، باب ۱۸ از ابواب مقدمات حدود، ح ۱). قائلین به تخیر، این صحیحه را چنین معنا کرده‌اند: حدود الهی را کسی غیر از امام نمی‌تواند عفو کند و اما حق الناس را غیر امام می‌تواند عفو کند.

این برداشت از روایت چند اشکال دارد: اولاً، در این حدیث صحبتی از اقرار به میان نیامده است و جرایم حدی اثبات شده با بینه را نیز شامل می‌شود در حالی که احدی از فقها بر مجاز بودن امام در عفو حدود الهی اثبات شده با بینه فتوا نداده‌اند؛ ثانیاً، در این حدیث سخنی از توبه نیامده است، در حالی که قائلین به تخیر غیر از محقق خوبی (قده) توبه را شرط عفو امام می‌دانند؛ ثالثاً، اگر «دون» در فقره اول روایت به معنای «غیر» باشد باید فعل از حالت مجهول به معلوم مبدل شود و امام بفرماید: و لا یعفو عن الحدود التي لله دون الامام (ع).